



Theoretical Framework of Archaeology in the Holy Quran

Receive Date: 27/01/2024
Revise Date: 25/02/2024
Accept Date: 11/03/2024
Publish Date: 21/05/2024

[10.22034/JKSL.2024.436565.1314](https://doi.org/10.22034/JKSL.2024.436565.1314)



[20.1001.1.27833356.1403.5.2.1.1](https://doi.org/10.1001.1.27833356.1403.5.2.1.1)



 Mahdi Mortazavi

Type of Article: Researching

Abstract

The foundational theoretical frameworks in archaeology, largely borrowed from other scientific disciplines, have a relatively short history within the field. Despite this, the Iranian archaeological community has embraced changes in theoretical frameworks since a short period before and a brief hiatus after the Islamic Revolution. This acceptance, although not without challenges, is primarily due to unfamiliarity with case studies related to these theoretical frameworks. Adapting theoretical frameworks tested in the context of ancient American societies to the research landscape of Iran is a complex and challenging endeavor. This paper examines the general theoretical frameworks of archaeology from the perspective of the Holy Quran. While a comprehensive examination of all relevant verses is beyond the scope of this paper, the author aims to present specific examples of Quranic verses. Theoretical frameworks prominent in Culture–History archaeology, processual archaeology, and post–processual archaeology, all of Western origin, find clear resonance in certain verses of the Holy Quran. In fact, some Quranic verses reflect a comprehensive view of the theoretical frameworks in these three domains. The aim of this paper is to highlight the capacity of the Holy Quran as a guiding source for theoretical frameworks in archaeology, particularly concerning Iranian heritage. By utilizing insights from the Quran, archaeologists can gain a deeper understanding of the past and provide more accurate interpretations of archaeological data.

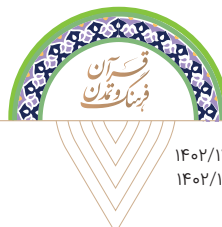
Keywords: Quranic Archaeology, Theoretical Framework, Culture–History, Processual, Post-Processual

*.Associate Professor, Department of Archaeology, Archaeology Research Institute, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

mehdi.mortazavi@lihu.usb.ac.ir



چهارچوب نظری باستان‌شناسی قرآن کریم

* مهدی مرتضوی 10.22034/JKSL.2024.436565.1314 20.1001.1.27833356.1403.5.2.1.1 

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

مقاله: پژوهشی

چکیده

زیربنای چهارچوب نظری باستان‌شناسی که عمدتاً از سایر رشته‌های علمی وام گرفته شده است، تاریخچه نسبتاً کوتاهی در باستان‌شناسی دارد. با وجود این، جامعه باستان‌شناسی ایران از یک دوره کوتاه قبل از انقلاب اسلامی و با یک وقفه کوتاه پس از آن، تحولات در زمینه چهارچوب‌های نظری در باستان‌شناسی را پذیرفته است. هرچند این پذیرش بدون مشکل نبوده، عمدتاً ناشی از ناآشنایی با مطالعات موردی مرتبط با این چهارچوب‌های نظری است. انطباق چهارچوب‌های نظری که در بافت جوامع آمریکای باستان آزمایش شده، با چشم‌انداز تحقیقاتی ایران، تلاشی پیچیده و دشوار است. این مقاله به بررسی کلی چهارچوب‌های نظری باستان‌شناسی از منظر قرآن کریم می‌پردازد. پرداختن به آیات مرتبط با این موضوع از حوصله این نوشتار خارج است، اما نویسنده می‌کوشد نمونه‌های خاصی از آیات قرآن را ارائه دهد. چهارچوب‌های نظری مطرح در باستان‌شناسی تاریخ-فرهنگی، باستان‌شناسی فرایند محوری و باستان‌شناسی پسا‌فرایند محوری که همگی منشأ غربی دارد، در آیات خاصی از قرآن کریم ظنین روشن پیدا می‌کند. در واقع، برخی از آیات قرآن به‌عنوان بازتاب جامعی از چهارچوب‌های نظری باستان‌شناسی در این سه محور عمل می‌کند. هدف این مقاله برجسته کردن ظرفیت قرآن کریم به‌عنوان منبع راهنمای چهارچوب نظری برای باستان‌شناسی به‌ویژه در زمینه میراث ایرانی است. با استفاده از بینش قرآن، باستان‌شناسان می‌توانند درک عمیق‌تری از گذشته به دست آورند و تفاسیر دقیق‌تری از داده‌های باستان‌شناسی ارائه دهند.

* دانشیار گروه باستان‌شناسی، پژوهشکده علوم باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

mehdi.mortazavi@lihu.usb.ac.ir



واژگان کلیدی: باستان‌شناسی قرآن کریم، چهارچوب نظری، تاریخ- فرهنگی، فرایندمحور،
پسافرایندمحور.

استناد به مقاله

مرتضوی، مهدی. (۱۴۰۳). چهارچوب نظری باستان‌شناسی قرآن کریم. فصلنامه قرآن، فرهنگ
و تمدن، ۵(۲)، ۸-۳۱. doi: 10.22034/jksl.2024.436565.1314

۱. بیان مسئله

باستان‌شناسی به‌عنوان رشته‌ای علمی، به دنبال مطالعه زندگی گذشتگان از طریق کاوش و بررسی منابع و میراث برجای مانده از آنهاست. این رشته در تلاش است تا با رمزگشایی از این شواهد، تصویری روشن‌تر از فرهنگ و تمدن و تاریخ جوامع بشری در ادوار مختلف به دست دهد. یکی از منابع مهم برای مطالعه تاریخ و فرهنگ جوامع باستانی، متون مقدس و دینی است. قرآن کریم به‌عنوان کتاب آسمانی مسلمانان، حاوی قصص و روایات متعددی از تاریخ انبیا و اقوام گذشته است. این روایات، علاوه بر ارزش‌های دینی و اخلاقی، از نظر تاریخی نیز حائز اهمیت است و می‌تواند منبعی ارزشمند برای باستان‌شناسان باشد. در این مقاله، به بررسی چهارچوب نظری باستان‌شناسی قرآن کریم با تمرکز بر سه رویکرد تاریخ-فرهنگی، فرایندمحور و پسا‌فرایندمحور می‌پردازیم. نوشته حاضر از روش اسنادی تحلیلی برای بررسی موضوع «چهارچوب نظری باستان‌شناسی قرآن کریم» استفاده می‌کند. طی این تحقیق، منابع و متون مرتبط با موضوع تحقیق، از جمله کتاب‌ها، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی، منابع دیجیتال و پایگاه‌های علمی، شناسایی و گردآوری شد؛ سپس دسته‌بندی اطلاعات براساس موضوع و رویکرد صورت پذیرفت که در تجزیه و تحلیل نهایی بسیار مؤثر واقع گردید.

قرآن کریم کتابی تحول‌آفرین و جهانی است که همه مردم را در هر زمان و مکانی راهنمایی می‌کند؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ» (مدثر: ۳۱). بنابراین پیام قرآن برای همگان قابل دسترس و سودمند است. این کتاب آسمانی از روش‌های گوناگونی برای انتقال آموزه‌های خود استفاده می‌کند و اطمینان می‌دهد که پیام‌هایش هم برای متفکران ژرف‌اندیش و هم عموم مردم ظنین‌انداز می‌شود. یکی از این روش‌ها بیان روایات است که در قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد. کلام خدا دارای قدرت منحصر به فردی برای انتقال حکمت عمیق و دانش انسانی است. بخش قابل توجهی از قرآن به داستان‌های لطیف و آموزنده‌ای اختصاص دارد که ریشه عمیقی در فطرت انسان دارد (فرزندوحی، ۱۳۹۸، ص ۴۱). روایات قرآنی فرهنگ‌یافته و ریشه توحیدی و جهان‌بینی الهی را در تجربه انسان القای می‌کند. از داستان آدم و حوا و سوسه‌های شیطان و سرنوشت فرزندان آدم تا روایت اصحاب فیل، داستان‌های قرآن به کاوش در اسرار خلقت انسان و عوامل منجر به تعالی یا انحطاط او می‌پردازد. نیروهای غیبی این روایات با مکان‌های باستانی در مناطق خاصی از غرب آسیا همخوانی دارد و باستان‌شناسی می‌تواند هم‌تایان تاریخی آن‌ها را از طریق مطالعه داستان‌های قرآنی شناسایی کند. بنابراین برای دستیابی به درک جامعی از



باستان‌شناسی، تعاریف مختلف آن را بررسی و سپس تعریف جدیدی ارائه خواهیم کرد. مطالعات در زمینه مباحث تاریخی در قرآن کریم، سابقه‌ای دیرینه دارد. برخی از محققان به بررسی روایات قرآنی از منظر تاریخی پرداخته‌اند؛ اما این مطالعات بیشتر جنبه روایی و تفسیری داشته و به دنبال تبیین مفاهیم دینی و اخلاقی بوده است (بیومی مهران، ۱۳۸۳، ص ۱۱؛ جعفری نیا، ۱۳۶۸، صص ۴۹-۵۲؛ جعفری نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۴، ص ۲۵؛ صدر ۱۳۸۸، صص ۹۶-۱۱۴؛ گواهی ۱۳۷۹، ص ۴۷؛ نکونام، ۱۳۸۰، ص ۹). موضوع چهارچوب نظری باستان‌شناسی قرآن کریم با توجه به هدف پیش‌گفته، موضوعی است که بدان پرداخته نشده است. در دوران معاصر، باستان‌شناسی قرآن کریم به‌عنوان یک رشته علمی نوظهور مورد توجه قرار گرفته است. در این رویکرد، باستان‌شناسی به‌عنوان ابزاری برای تفسیر و فهم روایات قرآنی به کار گرفته می‌شود. انتظار می‌رود باستان‌شناسان با کاوش و بررسی مکان‌های باستانی ذکرشده در قرآن، به دنبال یافتن شواهدی برای تأیید یا رد روایات قرآنی باشند؛ اما در این مقاله سعی بر آن است تا نقش بارز آیات قرآنی در ارائه چهارچوب نظری باستان‌شناسی قرآن کریم مشخص شود. این نقش آن قدر بارز است که حتی می‌توان این چهارچوب‌ها را در رشته علمی باستان‌شناسی نیز به کار بست. یکی از مهم‌ترین قدم‌ها در خصوص باستان‌شناسی قرآن کریم اثر ارزشمند استاد عبدالکریم بی‌آزار شیرازی است که منبع مناسبی طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی برای درس باستان‌شناسی قرآن کریم در رشته باستان‌شناسی بوده است. وی در کتاب باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن سعی کرده است تا قصص قرآنی را با شواهد باستان‌شناختی در مناطق مختلف جهان مطابقت دهد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۲، صص ۹، ۹۵، ۲۰۵، ۱۵۱ و ۲۳۳). علاوه بر آن، باید به کتاب باستان‌شناسی قرآن کریم نیز اشاره نمود که به‌نوعی تفسیر موضوعی مصور قرآن کریم است و نویسندگان سعی کرده‌اند ۲۶ اثر باستانی را در لابه‌لای آیات قرآن بررسی کنند (قدرت، ۱۳۸۳، ص ۱۳)، در کتاب دیگری تحت عنوان باستان‌شناسی قرآن، نویسنده به شواهد باستان‌شناختی مرتبط با آیات قرآن کریم پرداخته و سعی کرده به محل‌های مقدس و محوطه‌های باستانی که نامشان در قرآن آمده است، پردازد (میرابوالقاسمی، ۱۳۹۲، ص ۵۲). البته منابع متعددی در زمینه مبحث طبیعت در آیات قرآن کریم وجود دارد (گلشنی، ۱۳۹۹، ص ۵؛ بمانیان، ۱۳۹۱، صص ۶۱-۷۰) که می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در زمینه رابطه متقابل انسان و محیط در باستان‌شناسی به محققان

این حوزه ارائه دهد. با توجه به این پیشینه، می‌توان گفت باستان‌شناسی قرآن کریم به‌عنوان یک رشته علمی نوظهور در حال رشد و توسعه است. این رشته می‌تواند به فهم عمیق‌تر و جامع‌تر از قرآن و تاریخ و فرهنگ جوامع باستانی کمک کند.

۲. تعریف باستان‌شناسی

محققان تعاریف متعددی برای باستان‌شناسی ارائه کرده‌اند. مهم‌ترین تعریف از آن انسان‌شناسان است. آن‌ها معتقدند: «باستان‌شناسی علم مطالعه گذشته انسان براساس داده‌های مادی است» (Binford, 1962, p.218; Renfrew and Bahn, 1991, p.17; Dark, 1995, p.3; Hester & Grady, 1982, p.9; Preucel, 1991, p.18). در واقع هدف این تعریف بازسازی فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و هر آن چیزی است که متعلق به انسان است. به عبارتی در این تعریف، مبنا انسان و هر آن چیزی است که به وی ربط دارد. البته با این توصیف، گذشته، محدوده مشخصی را در بر می‌گیرد که از زمان ظهور انسان تاکنون است. عمدتاً باستان‌شناسان آمریکایی بر این تعریف توافق کرده‌اند و دلیل آن مطالعات جامع آن‌ها در خصوص انسان است؛ به علاوه اینکه باستان‌شناسی را شاخه‌ای از انسان‌شناسی در نظر می‌گیرند. امروزه مطالعات باستان‌شناسی توسط محققان و در گروه‌هایی تحت عنوان انسان‌شناسی صورت می‌گیرد. البته توجه به انسان و چگونگی آفرینش وی در آیات مختلفی از قرآن کریم، از جمله آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون، بیان شده است:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». به یقین انسان را از عصاره‌های از گل آفریدیم. سپس او را [به صورت] نطفه‌های در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختم. بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم. آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است.

از این آیات چنین بر می‌آید که توجه به انسان و آفرینش وی در قرآن کریم حائز اهمیت فراوان است. اما اگر واژه «انسان» را از تعریف پیش‌گفته برداریم، چنین خواهد شد: «باستان‌شناسی علم مطالعه گذشته براساس داده‌های مادی است». با حذف واژه «انسان»، قادر خواهیم بود به آفرینش طبیعت و کوه‌ها و دریاها نیز



بپردازیم. در واقع با این تعریف، باستان‌شناسی دوره‌ی زمانی وسیع‌تر و حتی بسیار قبل‌تر از انسان را در بر می‌گیرد. در قرآن کریم بیش از ۷۵۰ آیه به پدیده‌های طبیعی اشاره می‌کند و بیش از ده درصد آیات به موضوع طبیعت می‌پردازد. این بدان معناست که طبیعت و عناصر طبیعی در قرآن جایگاه خاصی دارد (کلشنی، ۱۳۹۹، صص ۱۲۵-۲۱۶). علاوه بر آن، تعالیم اسلامی که زمین را مسجد و محل عبادت می‌داند (نقی‌زاده و امین‌زاده، ۱۳۸۵، صص ۱۱-۱۳)، به طبیعت توجه خاصی نشان می‌دهد. خداوند تعالی در آیه ۷ سوره هود در خصوص آفرینش آسمان‌ها و زمین چنین می‌فرماید:

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ». اوست کسی که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدامیک نیکوکارترید و اگر بگویید: "شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد"، قطعاً کسانی که کافر شده‌اند، خواهند گفت: "این [ادعا] جز سحری آشکار نیست".

توجه به آب که نشانه پاکی است، در قرآن کریم به وفور دیده می‌شود. در آیه ۴۵ سوره نور، آفرینش آب زمینه‌ساز آفرینش موجودات زنده است:

«وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». خدا هر حیوانی را از آب آفرید که بعضی [مانند مارها] بر شکم روند و برخی [مانند انسان] بر دو پا و برخی [چون اسب و گاو و شتر] بر چهار پا حرکت کنند. خدا هر چه خواهد بیافریند؛ که خدا بر همه کار تواناست.

همه آیات قرآن که به طبیعت و عناصر طبیعی که قبل از انسان آفریده شده، اشاره می‌کند، تعریف دوم از باستان‌شناسی را که در بالا ذکر شد بیشتر تصدیق می‌کند؛ بنابراین مطلب فوق که تقدم و تأخری را در آفرینش مخلوقات خدا بیان می‌کند، هیچ از اهمیت انسان و خلقت وی نمی‌کاهد. هرکدام از مخلوقات الهی تنها گوشه‌ای از هستی را به نمایش می‌گذارد؛ اما انسان آینه تمام‌نمای هستی است. اوست که می‌تواند در مقابل پروردگار سجده کند و با اختیار و شعور او را بپرستد. به همین دلایل است که خداوند همه چیز را در خدمت انسان قرار می‌دهد و این چنین

است که در آیه ۲۹ سوره بقره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَافِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»: او خدایی است که همه آنچه [از نعمت‌ها] در زمین وجود دارد، برای شما آفرید. خداوند حتی ملانکه را در خدمت انسان قرار می‌دهد و آن‌ها را به سجده در مقابل انسان امر می‌کند و معنای کرامت الهی که ویژه انسان مقرر شده همین است (قائمی امیری، ۱۳۸۲، ص ۳۰).

۳. هدف و اهمیت باستان‌شناسی قرآن کریم

همان‌طور که در تعریف باستان‌شناسی هم ذکر شد، انسان و مطالعات مربوط به وی مهم‌ترین هدف باستان‌شناسی محسوب می‌شود؛ اما نکته‌ای که همواره برای نویسندگان محل سؤال بوده این است که چرا باستان‌شناسان انسان را هدف قرار داده‌اند. البته براساس مطالعات صورت‌گرفته ما دلیل این مطلب را که چرا انسان هدف مطالعات باستان‌شناسی در اروپا و آمریکا است، درنیافتیم. البته نتایج مطالعات آن‌ها نیز بیانگر این مطلب است که هدف، صرفاً مطالعه گذشته انسان است. این وضعیت در باستان‌شناسی ایران که پیرو مکاتب باستان‌شناسی اروپایی و آمریکایی است نیز دیده می‌شود. البته در بالا گذشت که در قرآن کریم «انسان» مبنای قرار گرفته است؛ چراکه مقدمه خداشناسی معرفت انسان است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۲). در مجموع اگر بخواهیم این موضوع را از دید باستان‌شناسی بنگریم، باید بگوییم خالق تمامی عالم و آنچه در آن است، خداوند است. آنچه در این عالم گسترده شده نیز به خاطر انسان است؛ بنابراین انسانی که به دنبال رفع نیازمندی‌های خویش و هم‌نوعانش است، باید از مخلوقات خداوند آگاهی داشته باشد تا بتواند بر آن‌ها مسلط شود. محدوده زمانی در شناخت خداوند و مخلوقاتش ذکر نشده؛ حتی در برخی از آیات قرآن کریم توجه به گذشته نیز مدنظر قرار گرفته است. به‌عنوان مثال با کمی دقت در آیات ۱۱ سوره انعام، ۶۹ سوره نمل، ۲۰ سوره عنکبوت، ۴۲ سوره روم، ۴۴ سوره فاطر و بسیار از آیات دیگر، متوجه ضرورت توجه به گذشته و عبرت از آن می‌شویم:

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (انعام: ۱۱): بگو: در زمین بگردید.

سپس بنگرید که عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل: ۶۹): بگو: در زمین سیر کنید.

پس بنگرید که عاقبت گنهکاران چگونه شد.

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» (عنکبوت: ۲۰): بگو: در زمین بگردید و بنگرید

چگونه او (خدا) آفرینش را آغاز کرده است.



«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ» (روم: ۴۲): بگو در زمین سیر کنید و عاقبت کسانی را که قبلاً بودند بنگرید.

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (فاطر: ۴۴): آیا در زمین نمی‌گردند تا بنگرند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها می‌زیسته‌اند، چگونه بوده است.

همان‌طور که گذشت، همه آیات فوق در خصوص توجه به گذشته انسان از جهت تجربه آموزش جهت ساختن حال و آینده توصیه می‌کند. در واقع انسان گذشته را سرلوحه رفتار خویش قرار می‌دهد تا آینده را بسازد. بحث از چگونگی آفرینش انسان و توجه به شیوه زندگی پیشینیان همان درک و توجه به قدرت لایزال الهی در آفرینش مخلوقات برای انسان است. مهم‌ترین نظامی که برای انسان خلق شده، طبیعت است. نظام طبیعت در طول نظام الهی قرار گرفته و تقدیر نظام بشری نیز باید قرار گرفتن در طول اراده الهی باشد. محیط متشکل از اجزاء و عناصر مادی (کالبدی و کمی) و معنوی (غیرفیزیکی و کیفی) است که در قالب عناصر طبیعی، ساخته‌های انسان، شرایط طبیعی و عناصر مصنوع و انسانی ظاهر می‌شود؛ بنابراین انسان به‌عنوان موجودی که بر وجهه الهی آفریده شده، منعکس‌کننده وجود خداوند و واسطه برکت و لطف خداوند برای عالم طبیعت است؛ بنابراین نظام موجود در محیط می‌تواند حاصل نگاه انسان به نظام طبیعت باشد. محیط انسان‌ساخت می‌تواند به‌مثابه نمونه کوچکی از عالم باشد که فعالیت‌های انسانی در آن به‌گونه‌ای، به‌کارگیری نظام موجود در طبیعت جهت تحصیل منافع خویش است (بمانیان، ۱۳۹۰، ص ۷۰)؛ بنابراین توجه به طبیعت، چه در گذشته و چه اکنون، ضروری است؛ چراکه منافع انسان در آن نهفته است. کنکاش در گذشته انسان، نیازمندی‌های وی، طبیعتی که در آن به امرار معاش می‌پرداخته و آنچه با آن ارتباط داشته است، عملکردی پسندیده و توصیه‌شده به شمار می‌رود. چه‌بسا انسان در گذشته از روش‌های مناسبی در امرار معاش بهره‌برده یا برعکس، برخی مواقع به دلیل بهره‌گیری از روش‌های نادرست با شکست مواجه شده است. در واقع با درک درست این رفتارها، اعم از رفتارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، انسان قادر است از تجربیات درست یا نادرست هم‌نوع خویش در گذشته عبرت بگیرد تا بتواند حال و آینده‌ای مطمئن را بسازد. وی با این کار به هم‌نوع خویش کمک می‌کند تا بهترین روش‌ها در بهره‌برداری از محیط را بیاموزد تا از طرفی در چگونگی بهره‌گیری از نعمت‌های الهی نیز صرفه‌جویی نماید.

در مجموع باید گفت باستان‌شناسی قرآن کریم که به آن «باستان‌شناسی قرآنی» نیز می‌توان اطلاق کرد،

حوزه‌ای نوظهور است که به دنبال شناخت بافت تاریخی و شواهد باستان‌شناسی مرتبط با قرآن و روایات مرتبط است. هدف آن نیز پر کردن شکاف بین ابعاد معنوی و تاریخی قرآن و ارائه بینشی به فرهنگ مادی و واقعیت‌های اجتماعی جوامعی است که ترکیب و انتقال قرآن را شکل داده‌اند. به عبارت دیگر، باستان‌شناسی قرآنی به‌عنوان پلی بین ابعاد معنوی و تاریخی قرآن عمل می‌کند و درک عمیق‌تری از خاستگاه قرآن، رابطه آن با جهان مادی و تأثیر ماندگار آن بر تاریخ بشر ارائه می‌دهد. این موضوع خود زمینه‌ای با پتانسیل بسیار زیاد برای غنی‌سازی درک ما از گذشته و تقویت گفت‌وگوی بین ادیان در زمان حال است.

۴. چهارچوب نظری باستان‌شناسی قرآن کریم

هر حوزه‌ای از دانش پایه‌هایی اساسی دارد که بدان چهارچوب نظری آن حوزه گویند. باستان‌شناسی نیز از این قاعده مستثنا نیست. چهارچوب نظری یک طرح کلی برای فعالیت‌های تحقیقی است که در مطالعات مرتبط به‌عنوان راهنما عمل می‌کند؛ همچنین ساختاری را فراهم می‌کند که محقق می‌تواند با بهره‌گیری از معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی علمی به اهداف تحقیق نایل گردد. آیزنهارت چهارچوب نظری را ساختاری در نظر می‌گیرد که تحقیق را براساس نظریات رسمی هدایت می‌کند و توضیح منسجمی از پدیده‌های خاص و روابط میان آن‌ها ارائه می‌دهد (Eisenhart, 1991, p.205). البته یکی از ویژگی‌های مهم چهارچوب‌های نظری پویایی آن و قابلیت تغییر در شرایط مختلف تحقیق است. در این خصوص سومک و لوین (۲۰۰۵م) معتقدند بیشتر تحقیقات حوزه علوم اجتماعی با یک چهارچوب نظری آغاز و با تجزیه و تحلیل داده‌ها تداوم می‌یابد و این خود باعث پدیدار شدن نظریات جدید یا تنوع و گوناگونی نظریه‌های موجود در نتیجه تحقیقات می‌شود. تنوع و گوناگونی نظریات در باستان‌شناسی نیز گویای پویایی این حوزه علمی است. شاید مهم‌ترین دلیل گوناگونی در تنوع مطالعات، موردی باشد که طی آن محققان به دلیل تفاوت موضوع‌ها و جغرافیای اتفاقات گذشته، روش‌ها و چهارچوب‌های نظری متفاوتی را تجربه می‌کنند. به همین دلیل، تجارب باستان‌شناسان اروپایی و امریکایی که در جغرافیای متفاوتی کسب شده، برای باستان‌شناسان ایرانی چندان مانوس نیست. از طرفی باستان‌شناسی بسیاری از نظریات موجود در سایر حوزه‌های علوم اجتماعی از جمله انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و جز آن را به عاریت گرفته است.

یکی از مشکلات باستان‌شناسی ایران بی‌توجهی به بومی‌سازی مفاهیم نظری در این علم است. متأسفانه



آنچه به عنوان نظریات باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران محل توجه است، مبتنی بر تجربیات باستان‌شناسان امریکایی و اروپایی است که دانش نظری آن‌ها بر پایه فرهنگ جامعه‌ای است که در آن رشد کرده‌اند. فلسفه ایرانی و اسلامی سرشار از چهارچوب‌های نظری است که برخاسته از بطن این جامعه است. بسیاری از مفاهیم نظری که امروزه در باستان‌شناسی وجود دارد، در حوزه‌های فلسفه و کلام اسلامی قابل جست‌وجوست. یکی از مهم‌ترین منابع مکتوب که سرشار از این مفاهیم است، قرآن کریم است. با توجه به اینکه این کتاب عمده‌تاً به قصص می‌پردازد، مهم‌ترین هدف قصه نیز عبرت‌آموزی برای ساختن آینده است. آخرین آیه سوره یوسف محتوای بسیار جامعی دارد؛ اینکه در سرگذشت یوسف علیه السلام و برادرانش و انبیا و رسولان گذشته و اقوام مؤمن و بی‌ایمان، درس‌های بزرگ و عبرت‌آموزی برای همه اندیشمندان وجود دارد: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»: در سرگذشت آن‌ها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه است (یوسف: ۱۱۱). قصص آینه‌ای است که می‌تواند عوامل پیروزی و شکست، کامیابی و ناکامی، خوشبختی و بدبختی، سربلندی و ذلت و خلاصه آنچه در زندگی انسان ارزش دارد و آنچه بی‌ارزش است، نشان دهد؛ آینه‌ای که مشاهده آن، عمر کوتاه‌مدت هر انسان را به اندازه عمر تمام بشریت طولانی می‌کند؛ اما فقط صاحبان اندیشه توانایی مشاهده این عبرت‌ها را بر صفحه این آینه عجیب دارند (اکبریان، ۱۳۹۱، ص ۳۰). باستان‌شناسان صاحبان اندیشه‌اند و می‌توانند بخش عمده‌ای از وقایع تاریخی را از طریق داده‌های مادی واکاوی کنند.

قرآن کریم برای عبرت‌آموزی بشر سه شیوه را مطرح می‌کند. نخست «سیر در زمین» که در ۱۳ مورد به صراحت ذکر شده است؛ همانند مواردی که در بالا بدان‌ها اشاره شد و آیه «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ» (روم: ۴۲) نمونه‌ای از آن است. دوم «قلمداد کردن قصص به‌عنوان نشانه» که در موارد بسیاری مشهود است؛ مانند آیه «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُزِدُّونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا»: ای گروه جن و انس، آیا از میان شما رسولانی برای شما نیامدند که آیات مرا بر شما بخوانند و از دیدار این روزتان به شما هشدار دهند؟! (انعام: ۱۳۰). سوم «طرح داستان‌ها به صورت "ذکری" و "تذکر" برای مؤمنان» مانند آیه «وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مِمَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»: و آن دم که [موسی را] ندا دادیم، تو در جانب طور نبود؛ ولی [این اطلاع تو] رحمتی است از پروردگار تو تا قومی را که هیچ هشداردهنده‌ای پیش از تو برایشان نیامده است، بیم دهی. باشد که آنان پند پذیرند (قصص: ۴۶) علاوه بر عبرت‌دهی، دیگر ویژگی قصص قرآنی تقویت قدرت تفکر است. با مطالعه و بررسی سرگذشت

مردمان باستان، انسان می‌تواند به ارزیابی دقیق اتفاقات گذشته بپردازد، خویشتن را به جای آنان قرار دهد و سرنوشت خود را ملاحظه کند و در نهایت اگر فرصتی در اختیار وی قرار گرفت، از آن کمال استفاده را ببرد. قرآن در آیه ۱۷۶ سوره اعراف بعد تشریح جریان بلعم با عورا خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «فَأَقْصِبْ أَلْقَصَبَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»: سرگذشت‌ها را برای آن‌ها (قوم خود) بازگو نما. شاید به تفکر و ارزیابی بپردازند. داستان بلعم، کسی که علم و فضیلت را به مهتری این جهان فروخت و از وارستگی، به خدمت زر و زور درآمد و به واسطه غرور و نخوتی که در اعماق قلبش ریشه دوانیده بود، با موسی ﷺ پیامبر بزرگ الهی به مبارزه برخاست و مقام عالی خویش را از دست داد و هم‌ردیف شیطان شد، در قرآن به صورت مشهود آمده است تا انسان مخاطب قرآن بداند و آگاه باشد که هرگز به آنچه خداوند به او عطا کرده است، مغرور نشود و در اندیشه پنجه در افکندن با برگزیدگان حق نباشد که این کار منجر به سقوط او خواهد شد (اکبریان، ۱۳۹۱، صص ۳۰-۳۲). آنچه در این زمینه استفاده می‌شود این است که اساساً قدرت تفکر در باستان‌شناسی از راهبردهای اولیه روش‌شناسی این علم محسوب می‌گردد که با چون‌وچرا کردن در امور همراه است. همان‌طور که بیان شد، در باستان‌شناسی جدید، باستان‌شناسان به دنبال توضیح تغییرات و تحولات هستند و سؤالاتی که در این راستا مطرح می‌شود، با کلمات استفهامی «چرا» و «چگونه» آغاز می‌گردد.

مطهری درباره معنای اصطلاحی «تاریخ» به سه تعریف عمده که با یکدیگر رابطه تنگاتنگی دارد، اشاره می‌کند. نخست تاریخ به معنای علم به وقایع، حوادث، اوضاع و احوال انسان‌ها در گذشته، در برابر حوادث و اتفاقاتی که در عصر حاضر وجود دارد. وی این نوع تاریخ را «تاریخ نقلی» نام گذاری می‌کند؛ تاریخ به معنای علم به قواعد و سنن حاکم بر رفتارهای گذشته انسانی. این نوع علم از مطالعه حوادث و اتفاقات گذشته حاصل می‌شود. آنچه محتوا و مسائل «تاریخ نقلی» را شکل می‌دهد، به منزله مبادی و مقدمات این علم به شمار می‌رود. وی این نوع تاریخ را «تاریخ علمی» می‌نامد؛ تاریخ به معنای علم به تحولات و تغییرات در جوامع از مرحله‌ای به مرحله دیگر و قوانین حاکم بر این تحولات و تطورات؛ به عبارت دیگر علم به «شدن» جوامع و نه «بودن» آن‌ها. این نوع تاریخ در نظر وی «فلسفه تاریخ» است (مطهری، ۱۳۸۹، صص ۶۷-۶۹). همان‌گونه که در پایان مبحث «هدف باستان‌شناسی» بیان شد، بهره‌گیری از تجارب گذشتگان در راستای ساختن حال و آینده جوامع باید در صدر اهداف باستان‌شناسی قرار گیرد. «تاریخ علمی» مدنظر مطهری همان چرایی‌ها و چگونگی‌های اتفاقات گذشته است. باستان‌شناسان روش‌های عمده‌ای برای درک این‌گونه رفتارهای انسانی در گذشته دارند که پرداختن بدان‌ها خارج از حوصله این بحث است. علم به وقایع که از دید مطهری «تاریخ



نقلی» نام‌گذاری شده است، به باستان‌شناس کمک می‌کند تا اطلاعات لازم جهت بهره‌برداری از تجارب گذشتگان را کسب نماید. اما همان‌گونه که همه می‌دانیم، بسیاری از اطلاعات مرتبط با شیوه زندگی بشر در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته است؛ به همین دلیل باستان‌شناسان به «بودن» اکتفا نمی‌کنند و به دنبال «شدن» هستند. درک این موضوع نیازمند روش‌های خاصی است که عمدتاً در اختیار باستان‌شناسان است. بخشی از این روش‌ها مبتنی بر روش‌های توضیحی (پوزیتیویستی) و تفسیری است. حوزه تاریخ علمی را بیشتر از طریق روش‌های توضیحی و چرایی و چگونگی مسائل ذهنی را از طریق روش‌های تفسیری می‌توان جست‌وجو نمود. این نوع از تاریخ همانند فرایندمحوری و پسا فرایندمحوری در باستان‌شناسی است. همان‌گونه ذکر آن رفت، فرایندمحوری عینی‌گرایی و پسا فرایندمحوری ذهنی‌گرایی را تداعی می‌کند، اما هر دو به چرایی و چگونگی اتفاقات کمی می‌پردازد. البته علم به «شدن» جوامع و نه به «بودن» آن‌ها یا همان «فلسفه تاریخ»، در مقابل «تاریخ نقلی» قرار می‌گیرد. در مجموع شاید بتوان این‌گونه جمع‌بندی کرد که «تاریخ علمی» و «فلسفه تاریخ» از دید مطهری هر دو به دنبال چرایی و چگونگی اتفاقات در گذشته است که خود به دو نوع مباحث عینی و ذهنی تقسیم می‌شود؛ اما در «تاریخ نقلی» بیشتر چیستی اتفاقات مدنظر است و جنبه توصیفی دارد. در پایان می‌توان این‌گونه گفت که مباحث «تاریخ علمی» و «فلسفه تاریخ» به ترتیب یادآور باستان‌شناسی فرایندمحور (Pro-cessual) با رویکرد عینی و پسا فرایندمحور (Post-Processual) با رویکرد ذهنی و نسبی است؛ در حالی که «تاریخ نقلی» گویای باستان‌شناسی تاریخ- فرهنگی (Culture-History) با مبنای نظری توصیفی است (موسی‌پور نگاری و مرتضوی، ۱۳۹۴، صص ۹-۲۳).

باستان‌شناسی قرآن کریم با تکیه بر نقاط قوت هر سه رویکرد نظری فوق، بر سر دوراهی نظری قرار دارد. باستان‌شناسی سنتی پایه و اساس تجربی را برای شناسایی و تفسیر بقایای مادی فراهم می‌کند؛ در حالی که باستان‌شناسی فرایندمحور چهارچوبی برای درک الگوها و فرایندهای گسترده‌تری ارائه می‌دهد که جهان اسلام را شکل داده است. باستان‌شناسی پسا فرایندمحور باستان‌شناسان را تشویق می‌کند تا تجربیات ذهنی، ارزش‌های فرهنگی و باورهای مذهبی را که اغلب در فرهنگ مادی گنجانده شده است، در نظر بگیرند. با اتخاذ رویکردی کل‌نگر که نقاط قوت این چهارچوب‌های نظری مختلف را دربر می‌گیرد، باستان‌شناسی قرآن کریم می‌تواند درک غنی‌تر و ظریف‌تری از تاریخ و فرهنگ اسلامی ارائه دهد؛ می‌تواند راه‌های تعامل قرآن با جهان مادی و شکل‌دهی آن را روشن کند و نشان دهد که فرهنگ مادی چگونه می‌تواند به نوبه خود، درک ما را از آموزه‌های قرآن بیشتر کند. در مجموع، باستان‌شناسی قرآن کریم شاهی بر قدرت ادغام دیدگاه‌های متعدد برای ارتقای

درک ما از گذشته است. با بهره‌گیری از نقاط قوت باستان‌شناسی سنتی، فرایندمحوری و پسا‌فرایندمحوری، این زمینه پتانسیل روشن کردن تعامل پیچیده بین قرآن و جهان مادی را دارد و درک ما را از نقش مؤثر و غنی و متنوع تمدن اسلامی عمیق‌تر می‌کند.

۵. بحث و تحلیل

علی‌رغم محدودیت‌هایی در زمینه نبود جامعه آماری و به‌تبع آن بهره‌برداری از نمودارها و تصاویر، این پژوهش به بررسی موضوعی پرداخته است که در آن، چهارچوب نظری قرآن با اهداف روش‌شناختی پژوهش باستان‌شناسی تلاقی می‌کند. با قرار دادن قرآن به‌عنوان منبعی غنی از بینش‌های تاریخی و چهارچوب‌های تحلیلی، الگوهای اغلب اروپامحور و سکولاریزه‌شده را که مدت‌هاست بر نظریات باستان‌شناسی تسلط دارد، به چالش کشیده‌ایم. تحلیل حاضر توانایی قرآن کریم در موارد زیر را نشان داده است.

همان‌طور که ذکر آن رفت، در مطالعات باستان‌شناختی، باید تمرکز از «چه» و «چیزی» به «چرایی» و «چگونگی» تغییر یابد (Renfrew & Bahn, 1991, p.39; Trigger, 2006, p.19; Fagan, 2015, p.82) برای درک علل و انگیزه‌های رخداد‌های تاریخی؛ تأکید قرآن بر آموختن از جوامع گذشته از طریق تأمل انتقادی در مورد موفقیت‌ها و شکست‌های ایشان، کاملاً با اصل اصلی باستان‌شناسی فرایندمحور همسوست. با کاوش در روایات قرآنی، باستان‌شناسان می‌توانند به بینش‌های ارزشمندی در مورد پویایی‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی که تمدن‌های گذشته را شکل داده است، دست یابند. از طرفی تفکر انتقادی و مشارکت فردی ترویج می‌یابد؛ چراکه قرآن کریم مکرراً انسان را به تفکر و عبرت‌آموزی از وقایع تاریخی تشویق می‌کند. همان‌طور که گذشت، آیات فراوانی از قرآن بر این موضوع تأکید می‌کند. این تأکید بر تعامل فعال با گذشته، با پیگیری باستان‌شناسی و بازسازی و تفسیر بقایای مادی ظنین‌انداز می‌شود (Renfrew and Bahn, 1991, p.42)؛ بنابراین قرآن به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی و پرورش کنجکاوی فکری در میان باستان‌شناسان عمل می‌کند. نکتهٔ دیگر که در نظریات باستان‌شناسی قرآن کریم جلوه می‌کند، ارائهٔ چهارچوب‌های نظری متنوع است. فراتر از نظریه‌های باستان‌شناسی غرب‌محور، قرآن دریچه‌ای منحصر‌به‌فرد و چندوجهی ارائه می‌کند که از طریق آن می‌توان گذشته را بررسی کرد. مفاهیمی مانند «توحید» (وحدت الهی)، «عدل» (عدالت) و «خلافت» (مسئولیت) چهارچوب‌های متمایزی را برای تحلیل ساختارهای اجتماعی،



پویایی‌های قدرت و عملکردهای محیطی در جوامع گذشته ارائه می‌کند (Asad, 2003, p.241). این امر مجموعه ابزار نظری باستان‌شناسان را غنی می‌کند و دامنه تفسیر آن‌ها را گسترش می‌دهد.

با این حال، بهره‌برداری از آیات قرآن کریم در تحقیقات باستان‌شناسی مستلزم بررسی دقیق چالش‌های بالقوه است که در اینجا به برخی از آن‌ها می‌پردازیم. اولین نکته موضوعیت در تفسیر است؛ چراکه شناخت تعدد ذاتی تفاسیر در متون دینی بسیار اهمیت دارد. برای اطمینان از شفافیت و دقت روش شناختی، باستان‌شناسان باید با دیدگاه‌های علمی متنوع درگیر شوند و از روش‌های هرمنوتیکی تثبیت‌شده استفاده نکنند. نکته دوم بحث سوگیری و محدودیت‌هایی است که ممکن است طی تحقیق به وجود آید؛ بنابراین بهره‌گیری از آیات قرآن کریم به عنوان تنها چهارچوب نظری، می‌تواند سوگیری‌های ناخواسته ناشی از پیشینه فرهنگی یا اعتقادات مذهبی خود محقق را ایجاد کند. ترکیب بینشی از سایر رشته‌های مرتبط و حفظ رویکردی انتقادی و خودانعکاسی در طول فرایند تحقیق ضروری است. نکته سوم بررسی ملاحظات اخلاقی پیچیده است که ممکن است در طول تحقیق به وجود آید. پژوهش با کمک متون دینی در زمینه باستان‌شناسی، حساسیت نسبت به جوامع مذهبی متنوع و تفسیر آن‌ها از متون مقدس را ضروری می‌کند. محققان باید با احترام و آگاهی اخلاقی به کار خود پردازند و اطمینان حاصل کنند که روش‌ها و نتیجه‌گیری‌های آن‌ها به ارائه نادرست یا توهین منجر نمی‌شود (Meskell, 2009, p.7).

علی‌رغم سه نکته چالشی فوق که محققان باید آن‌ها را مدنظر داشته باشند، نکات مزیتی بالقوه‌ای نیز در بهره‌برداری از آیات قرآن کریم در تحقیقات باستان‌شناسی وجود دارد که به محققان کمک می‌کند تا با اطمینان بیشتری، از این تلفیق بهره‌برداری کنند. شاید مهم‌ترین نکته مزیتی نظریه باستان‌شناسی استعمارزدایی باشد که با ترکیب دیدگاه‌های متنوع و به چالش کشیدن چهارچوب‌های غالب غربی، سعی می‌کند تا روش‌شناسی حاضر درک جامع‌تر، گویاتر و فاقد سوگیری از گذشته را تقویت کند (Smith, 2006, p.14)؛ علاوه بر آن، تقویت گفت‌وگوی بین‌رشته‌ای نیز می‌تواند به عنوان مزیتی در تحقیقات باستان‌شناسی قرآن کریم محسوب گردد که سعی می‌کند شکاف بین مطالعات دینی، باستان‌شناسی و سایر رشته‌های مرتبط را پر کند و فرصت‌هایی برای تفاسیر غنی‌تر و همکاری‌های پژوهشی نوآورانه‌تر فراهم سازد (Insoll, 2004, p.52). نکته مزیتی آخر در این بحث ترویج مشارکت عمومی است که خود یکی از حوزه‌های فعال در باستان‌شناسی مدرن محسوب می‌گردد. ادغام روایات دینی در تحقیقات باستان‌شناسی می‌تواند علاقه عمومی و درک گذشته را تقویت کند، مردم را با

میراث فرهنگی خود بیشتر پیوند دهد و گفت‌وگوهای معناداری در مورد تاریخ و ایمان ایجاد نماید. در مجموع باید گفت این پژوهش فصل جدیدی را در کشف سهم بالقوه قرآن در نظریه و روش‌شناسی در باستان‌شناسی گشوده است. با پذیرش چالش‌ها و پذیرش فرصت‌ها، تحقیقات آینده می‌تواند این رویکرد امیدوارکننده را بیشتر اصلاح کند و توسعه دهد، درک ما از گذشته را غنی‌تر کند و گفت‌وگوی معنادار بین رشته‌ها و جوامع مختلف را تقویت کند. بنابراین، باستان‌شناسی به معنای مطالعه گذشته از طریق بقایای مادی، از دیرباز به‌عنوان ابزاری ارزشمند برای درک تاریخ و فرهنگ بشر شناخته شده؛ با این حال، پتانسیل آن برای روشن کردن رابطه پیچیده بین انسان و محیط زیست به‌طور کامل کشف نشده است. این مقاله تعریف جدیدی از باستان‌شناسی را به‌عنوان «علم مطالعه خروجی رابطه متقابل بین انسان و محیط زیست» پیشنهاد می‌کند و اهمیت آن را در بررسی روش‌هایی که جوامع بشری با آن سازگار شده و تغییر شکل داده و با محیط طبیعی خود در تعامل بوده است، برجسته می‌نماید. این تعریف به‌خوبی با آموزه‌های قرآن در مورد پیوستگی انسان و طبیعت همخوانی دارد. قرآن مکرراً بر مفهوم مباشرت تأکید می‌کند و مسئولیت مراقبت و مدیریت مسئولانه منابع زمین را بر عهده انسان می‌گذارد. از منظر باستان‌شناسی، تأکید قرآن بر مباشرت، در بقایای مادی که از گذشته کشف می‌کنیم، ظنین‌انداز می‌شود. مصنوعات و سازه‌ها و مناظر همگی گواه شیوه‌های تعامل جوامع گذشته با محیط طبیعی خود است. به‌عنوان مثال، ابزارهای کشاورزی و سیستم‌های آبیاری میزان دخالت انسان در چشم‌انداز را نشان می‌دهد؛ درحالی‌که سفال‌ها و بقایای مواد غذایی بینش‌هایی در مورد الگوهای غذایی و تولید مواد غذایی ارائه می‌دهد. با مطالعه این بقایای باستان‌شناسی، ما بینش‌های ارزشمندی در مورد چگونگی سازگاری جوامع گذشته با محیط خود، مدیریت منابع و تعامل با جهان طبیعی به دست می‌آوریم. این دانش می‌تواند به تلاش‌های ما برای زندگی در هماهنگی با طبیعت و ترویج شیوه‌های پایدار کمک کند. آموزه‌های قرآن در مورد تعامل انسان و محیط، چهارچوبی غنی برای تفسیر داده‌های باستان‌شناسی ارائه می‌دهد. با درک گذشته، می‌توانیم بینش‌های ارزشمندی در مورد زمان حال به دست آوریم و آینده پایدارتری را شکل دهیم. باستان‌شناسی از دریچه قرآن، چشم‌اندازی منحصر به فرد از تاریخ بشر ارائه می‌دهد و ارتباط متقابل بین انسان‌ها، محیط‌های آن‌ها و تعادل ظرفیتی را که حیات بر روی زمین را حفظ می‌کند، آشکار می‌سازد.



نتیجه‌گیری

باستان‌شناسی در سیر تحولات چهارچوب‌های نظری، از جست‌وجوی حقایق عینی به تفسیر گذشته با در نظر گرفتن زمینه فرهنگی و تجربه انسانی تکامل یافته است. حکمت قرآن به‌طور قابل توجهی به این گفت‌وگوی مداوم کمک می‌کند و درک عمیق‌تری از تجربه انسانی و گذشته را ارائه می‌دهد. هرچند باستان‌شناسان بر روش‌های علمی و یافتن حقایق عینی در مورد گذشته متمرکز بودند، در نیمه قرن بیستم میلادی، آن‌ها محدودیت‌های این رویکرد، به‌ویژه برای درک جنبه‌های ناملموس مانند باورها و ایده‌ها را تشخیص دادند. این امر به تغییر رویکرد به سمت روش‌های تفسیری منجر شد که دیدگاه مفسر و زمینه فرهنگی یافته‌ها را در نظر می‌گرفت و بیشتر بر جنبه انسانی باستان‌شناسی تأکید می‌کرد. قرآن با حکمت و بینشی که نسبت به انسانیت دارد، چهارچوب ارزشمندی برای این رویکرد تفسیری ارائه می‌دهد. این کتاب دیدگاهی فراگیر و جهانی در مورد ماهیت انسان، پویایی اجتماعی و محیط زیست ارائه می‌دهد و درک ما را از گذشته، فراتر از بقایای مادی، غنی می‌کند. باستان‌شناسان می‌توانند با گنجاندن بینش‌های قرآن در تحقیقات خود، درک جامع‌تر و ظریف‌تری از جنبه‌های ملموس و ناملموس تمدن‌های گذشته به دست آورند؛ با این حال، این تحول اندیشه در باستان‌شناسی را می‌توان بیش از این گسترش داد و به مبانی تمدن اسلامی و نزول قرآن کریم متصل نمود. قرآن با بینش عمیق خود در مورد ماهیت انسان، پویایی جامعه و رابطه بین انسان و محیط او، چهارچوب نظری غنی‌ای برای تحقیقات باستان‌شناسی ارائه می‌دهد. با استناد به آیات قرآن، باستان‌شناسان می‌توانند به بینش عمیق‌تری نسبت به گذشته دست یابند، از محدودیت‌های رویکردهای صرفاً پوزیتیویستی فراتر روند و درک کل‌نگرتر و انسان‌گرایانه‌تری از تاریخ بشر را دربرگیرند. در اصل، قرآن یک راهنمای جاودانه و جهانی برای تحقیقات باستان‌شناسی ارائه می‌کند و دیدگاهی را ارائه می‌دهد که پیش از تحولات فکری قرن بیستم است. باستان‌شناسان با گنجاندن حکمت قرآن در روش‌شناسی خود و عبرت از قصص آن، می‌توانند درکی جامع‌تر و ظریف‌تر از گذشته ایجاد کنند و نه تنها بقایای مادی بلکه جنبه‌های ناملموس تمدن بشری را نیز روشن کنند.

تشکر و قدردانی:

بدینوسیله از داوران محترم و ناشناس مجله فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن که با نظرات ارزشمند و دقیق خود، اینجانب را در ارتقای کیفیت مقاله "چهارچوب نظری باستان شناسی قرآن کریم" یاری رساندند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم. راهنمایی‌ها و پیشنهادات ایشان در غنای علمی و انسجام محتوایی مقاله نقشی بسزا داشت و بدون شک، اثر حاضر بدون تلاش و دقت نظر ایشان، از کیفیت کنونی برخوردار نبود. امیدواریم که این اثر گامی در جهت فهم عمیق‌تر و تبیین نوین از چهارچوب نظری باستان شناسی قرآن کریم باشد و ثمره تلاش ما مورد رضایت خداوند متعال و اهالی علم و دانش قرار گیرد.



کتاب نامه

- قرآن کریم (مهدی الهی قمشه‌ای، مترجم).
اکبریان، علی اصغر. (۱۳۹۱). روش شناسی قصص قرآن کریم. پیام، ۷ (۱۰۹)، ۲۰-۳۳.
بمانیان، محمد رضا. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط انسان با طبیعت از منظر معاد شناسی در قرآن کریم. دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته ای قرآن کریم، ۲ (۵)، ۶۱-۷۰.
بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۸۲). *باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن*. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
بیومی مهران، محمد. (۱۳۸۳). *بررسی تاریخی قصص قرآن (سید محمد راستگو، مترجم)*. انتشارات علمی و فرهنگی.
جعفری نیا، یعقوب. (۱۳۶۶). *بینش تاریخی قرآن*. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
جعفری نیا، یعقوب. (۱۳۸۴). *تاریخ اسلام از منظر قرآن*. نشر معارف.
صدر، سید محمد باقر. (۱۳۸۸). *سنت‌های تاریخ در قرآن (سید جمال موسوی اصفهانی، مترجم)*. دفتر انتشارات اسلامی.
گلشنی، مهدی. (۱۳۸۴). *قرآن و علوم طبیعت*. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
گواهی، عبدالرحیم. (۱۳۷۹). درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
نقی زاده، محمد؛ و امین زاده، بهناز. (۱۳۸۴). *فهرست موضوعی کلام الهی در زمینه شهرسازی، معماری، هنر، محیط زیست و علوم اجتماعی*. انتشارات راهیان.
فرزندوحی، جمال؛ و جمشیدی، نظام. (۱۳۹۸). نقد مقاله حضرت یوسف در دایرةالمعارف جودانیکا. قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۴ (۲۶)، ۴۱-۶۲. doi: 10.22034/QKH.2019.2740
قائمی امیری، محمد مهدی. (۱۳۸۲). *انسان و جهان (تقریرات درس آیت‌الله مملوچی)*. انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
قدرت، سید مصطفی؛ و قدرت، سید محمد حسین. (۱۳۸۳). *باستان شناسی قرآن کریم*. بیان جوان.
مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. موسسه الوفاء.
مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *جامعه و تاریخ*. انتشارات صدرا.
موسی پور نگاری، فریبا؛ و مرتضوی، مهدی. (۱۳۹۴). گفته‌ها و ناگفته‌هایی در باره باستانشناسی روند گر. پژوهش‌های باستان شناسی ایران، ۵ (۹)، ۷-۲۶.
میر ابوالقاسمی، محمد تقی. (۱۳۸۸). *باستان شناسی قرآن کریم*. رشت: کتاب مبین.
نکونام، جعفر. (۱۳۸۰). *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*. قم: نشر هستی نما.

- Asad, T. (2003). *Formations of the secular: Christianity, Islam, modernity*. Cambridge University Press.
Binford, L. R. (1962). *Archaeology as Anthropology*. *American Antiquity*, 28 (2), 217-225.
Dark, K. R (1995). *Theoretical Archaeology*. Duckworth.
Eisenhart, M. (1991). *Conceptual Frameworks for Research Circa 1991: Ideas from a Cultural Anthropologist; Implications for Mathematics Education Researchesrs*. Paper Presented at the Proceedings of the Thirteen Annual Meeting North Maerical Paper of the International Group for the Psychology of Mathematics Education, Blacksburg, Virginia, USA.
Fagan, B. M, Durrani. N. (2015). *World prehistory: A brief introduction*. Taylor & Francis.
Hester, J, Grady, J. (1982). *Introduction to Archaeology*. The Dryden Press.
Insoll, T. (2004). *Archaeology, Ritual and Religion*. Routledge.
Meskell, L. (2009). *Archaeology under fire: Nationalism, politics, and the preservation of cultural heritage in the Eastern Mediterranean and Middle East*. Routledge.
Preucel, R.W. (1991). *The Philosophy of Archaeology*, In W. Preucel, *Processual and Postprocessual*



Archaeologies: Multiple Ways of Knowing the Past, 17-30. Illinois University Press.

Renfrew, C., Bahn, P. (1991). Archaeology: theories, methods and practice. Thames and Hudson.

Rouse, I. (1992). The Tainos. Yale University Press.

Smith, L. (2006). Archaeological theory and the politics of culture. Routledge.

Somekh, B, Lewin, C. (2005). Glossary. In Somekh, B, Lewin, C (eds.) Research Methods in Social Sciences: 344-349. Sage Publication.

Trigger, B. G. (2006). A history of archaeological thought (3rd ed.). Cambridge University Press.

Wajdi, M. A. (2009). Tawḥīd, 'adl, and khilafah: An Islamic worldview for political and social justice. Islamic Foundation.



Introduction:

The archaeology of the Holy Quran is an emerging and developing field that seeks to find archaeological evidence to examine the narratives and stories of the Quran. This field, relying on the theoretical concepts of the Quran and the lessons drawn from its stories, aims to gain a deeper understanding of the history and culture of ancient societies, as well as to enhance human thinking and reasoning skills. The theoretical frameworks presented in archaeology, such as Culture–History archaeology, processual archaeology, and post–processual archaeology, which all have Western origins, resonate clearly in specific verses of the Holy Quran. In fact, some verses of the Quran serve as comprehensive reflections of these three theoretical frameworks in archaeology. This article aims to highlight the potential of the Holy Quran as a guiding source for the theoretical framework of archaeology, particularly in the context of Iranian heritage. By using insights from the Quran, archaeologists can achieve a deeper understanding of the past and provide more precise interpretations of archaeological data.

Research Methodology:

This study utilizes a documentary–analytical method. During the research, sources and texts related to the subject, including books, scholarly articles, theses, and academic dissertations, as well as digital resources and scientific databases, were identified and collected. Subsequently, information was categorized based on topics and approaches, which proved to be very effective in the final analysis.

Research Findings:

This article proposes a new definition of archaeology as "the science of studying the outcomes of the interactive relationship between humans and the environment" and underscores its importance in examining the ways human societies have adapted, transformed, and interacted with their natural surroundings. This definition aligns well with the Quranic teachings on the interconnectedness of humans and nature. The Quran repeatedly emphasizes the concept of stewardship, placing the responsibility of caring for and managing the earth's resources on humans. From an archaeological perspective, the Quran's emphasis on stewardship is echoed in the material remains we discover from the past. Artifacts, structures, and landscapes all testify to how past societies interacted with their natural environment. For instance, agricultural tools and irrigation systems indicate the extent of human intervention in the landscape, while pottery and food remains provide insights into dietary patterns and food production. By studying these archaeological remnants, we gain valuable insights into how past societies adapted to their environment, managed resources, and interacted with the natural world. This knowledge can aid our efforts to live in harmony with nature and promote sustainable practices. The Quranic teachings on human–environment interaction offer a rich framework for interpreting archaeological data. By understanding the past, we can gain valuable insights into the present and shape



a more sustainable future. Archaeology, through the lens of the Quran, provides a unique perspective on human history and reveals the intricate connections between humans, their environments, and the delicate balance that sustains life on earth.

Conclusion:

In the evolution of theoretical frameworks, archaeology has shifted from the search for objective truths to the interpretation of the past considering cultural contexts and human experience. The wisdom of the Quran significantly contributes to this ongoing dialogue, offering a deeper understanding of human experience and history. Although archaeologists were initially focused on scientific methods and discovering objective truths about the past, by the mid-20th century, they recognized the limitations of this approach, especially for understanding intangible aspects like beliefs and ideas.

This led to a shift towards interpretive methods that considered the interpreter's perspective and the cultural context of the findings, emphasizing the human aspect of archaeology. The Quran, with its wisdom and insight into humanity, provides a valuable framework for this interpretive approach. This book offers a comprehensive and universal perspective on human nature, social dynamics, and the environment, enriching our understanding of the past beyond material remains. By incorporating Quranic insights into their research, archaeologists can achieve a more comprehensive and nuanced understanding of both the tangible and intangible aspects of past civilizations. This shift in archaeological thought can be further expanded and connected to the foundations of Islamic civilization and the revelation of the Holy Quran. With its profound insights into human nature, social dynamics, and the relationship between humans and their environment, the Quran offers a rich theoretical framework for archaeological research.

By referencing the Quranic verses, archaeologists can gain a deeper insight into the past, move beyond the limitations of purely positivist approaches, and encompass a more holistic and humanistic understanding of human history. Essentially, the Quran provides a timeless and universal guide for archaeological research, offering a perspective that precedes the intellectual developments of the 20th century. By integrating the wisdom of the Quran into their methodologies and learning from its stories, archaeologists can develop a more comprehensive and nuanced understanding of the past, illuminating not only the material remains but also the intangible aspects of human civilization.

How to cite

Mortazavi, M. (2024). Theoretical Framework of Archaeology in the Holy Quran. *Quran, Culture And Civilization*, 5(2), 8 -31 . doi: 10.22034/jksl.2024.436565.1314



References

- Holy Quran. (translated by Mahdi Elahi Qomshehei). [in Persian]
- Akbarian A. A. (2012). Methodology of Quranic Stories. *Payam*, 7(109), 20-33. [in Persian]
- Asad, T. (2003). Formations of the secular: Christianity, Islam, modernity. Cambridge University Press.
- Bayoomi M. M. (2004). Historical Study of Quranic Stories. (Sayyed Muhammad Rasstgoo, Translator), Scientific and Cultural Publications. [in Persian]
- Bemaniyan, M. R. (2011). Investigating the Relationship between Humans and Nature from an Eschatological Perspective in the Quran. *Interdisciplinary Quranic Studies Quarterly*, 2(5), 61-70. [in Persian]
- Biazar Shirazi, A. K. (2003). Archaeology and Historical Geography of Quranic Stories. Office of Islamic Culture Publication. [in Persian]
- Binford, L. R. (1962). Archaeology as Anthropology. *American Antiquity*, 28(2), 217-225.
- Dark, K. R (1995). Theoretical Archaeology. Duckworth.
- Eisenhart, M. (1991). Conceptual Frameworks for Research Circa 1991: Ideas from a Cultural Anthropologist; Implications for Mathematics Education Researchesrs. Paper Presented at the Proceedings of the Thirteen Annual Meeting North Maerical Paper of the International Group for the Psychology of Mathematics Education, Blacksburg, Virginia, USA.
- Fagan, B. M , Durrani. N. (2015). World prehistory: A brief introduction. Taylor & Francis.
- Farzandwahy, J., & Jamshidi, N. (2019). A Critique of the Article on 'Joseph' in the Encyclopedia Judaica. *The Qur'an from Orientalists Point of View*, 14(26), 41-62. doi: 10.22034/QKH.2019.2740 . [in Persian]
- Ghodrat, S. M. & Ghodrat, S. M. H. (2004). Archaeology of the Quran. Bayan-e-Javan. [in Persian]
- Golshani, M. (2005). Quran and Natural Sciences. Institute for Humanities and Cultural Studies Publication. [in Persian]
- Govahi, A. R. (2000). Introduction to the History of Religions in the Quran. Office of Islamic Culture Publication. [in Persian]
- Hester, J, Grady, J. (1982). Introduction to Archaeology. The Dryden Press.
- Insoll, T. (2004). Archaeology, Ritual and Religion. Routledge.
- Jafari Nia, Y (1987). Historical Insight into the Quran. Office of Islamic Culture Publication. [in Persian]
- Jafari Nia, Y. (2005). History of Islam from the Quranic Perspective. Ma'aref Publication. [in Persian]
- Majlisi, M. B. (1982). *Biḥār al-Anwār*. Al-Wafa Institute. [in Arabic]
- Meskill, L. (2009). Archaeology under fire: Nationalism, politics, and the preservation of cultural heritage in the Eastern Mediterranean and Middle
- Mir Abulqasemi, M. T. (2009). Archaeology of the Quran. *Ketab Mobin*. [in Persian]
- Motahari, Morteza. (1982). Society and History. Sadra Publications. [in Persian]
- Mousapour Negari, Fa. & Mortezaei, M. (2010). Said and Unsaid about the Processual Archaeology. *Iranian Archaeological Research*, 5(9), 7-26. [in Persian]
- Naqizadeh, M. & Aminzadeh, B. (2005). Subject Index of Divine Discourse in the Fields of Urban Planning, Architecture, Art, Environment, and Social Sciences. Rahian Publication. [in Persian]
- Nekonam, J. (2001). Introduction to Quranic Historiography. Hesti Nama Publication. [in Persian]
- Preucel, R.W. (1991). The Philosophy of Archaeology, In W. Preucel , Processual and Postprocessual Archaeologies: Multiple Ways of Knowing the Past, 17-30. Illinois University Press.
- Qaemi Amiri, M. M. (2003). Man and the World: Reports on Ayatollah Mamduhi's Lectures. Institute



- for Educational and Research of Imam Khomeini. [in Persian]
- Renfrew, C., Bahn, P. (1991). *Archaeology: theories, methods and practice*. Thames and Hudson.
- Rouse, I. (1992). *The Tainos*. Yale University Press.
- Sadr, S. M. B. (2009). *Historical Traditions in the Quran*. (Sayyed Jamal Musavi, Translator), Islamic Publications Office. [in Persian]
- Smith, L. (2006). *Archaeological theory and the politics of culture*. Routledge.
- Somekh, B, Lewin, C. (2005). Glossary. In Somekh, B, Lewin, C (eds.) *Research Methods in Social Sciences*: 344-349. Sage Publication.
- Trigger, B. G. (2006). *A history of archaeological thought* (3rd ed.). Cambridge University Press.
- Wajdi, M. A. (2009). *Tawhīd, 'adl, and khilafah: An Islamic worldview for political and social justice*. Islamic Foundation.

COPYRIGHTS

@2023 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

